

اعلامیه مطبوعاتی

زن نان آور در غزه میان سرپرستی خانواده و تلاش برای بقا!

(ترجمه)

مرکز فلسطینی مطالعات سیاسی فاش ساخته است که جنگ بر نوار غزه، در سایه افزایش شمار زنان بیوه به بیش از ۲۲ هزار تن، به گسترش بی سابقه پدیده زنان نان آور انجامیده است.

این مرکز در یک ورقه تحلیلی تحت عنوان: «زن نان آور در نوار غزه: اقتصاد جنگ و بازتولید فقر اجتماعی» توضیح داده که از دست رفتن سرپرستان خانواده در نتیجه جنگ، به دگرگونی های عمیقی در ساختار خانواده فلسطینی انجامیده است؛ در حالی که ده ها هزار کودک یکی از والدین خود را از دست داده اند. در نتیجه زنان ناگزیر شده اند نقش های چندگانه ای را بر دوش گیرند که هم تأمین اقتصادی خانواده و هم مراقبت و سرپرستی آن را در بر می گیرد؛ آن هم در شرایطی که کمک و مساعدت خارجی به گونه کامل غایب است. این وضعیت فشارهای اقتصادی، روانی و اجتماعی بر زنان را به شدت افزایش داده است.

داده های میدانی، ابعاد فاجعه ای را که زنان در نوار غزه با آن روبه رو هستند، نشان می دهد؛ چنان که آمارها از نابودی بیش از ۶۰۲۰ خانواده حکایت دارد که در بسیاری از موارد تنها یک تن از آنان زنده مانده است و این بازمانده غالباً زن یا کودک است. افزون بر آن، ۲۷۰۰ خانواده به گونه کامل نابود شده اند. شهادت و بازداشت ده ها هزار شوهر نیز باعث شده که زنان آنان به یگانه نان آور خانواده های شان تبدیل شوند؛ آن هم در شرایط انسانی و اقتصادی فوق العاده دشوار.

داده های موجود هم چنان نشان می دهد که ده ها هزار زن بیوه وجود دارند و دست کم ۵۳۷۲۴ کودک یکی از والدین خود را از دست داده اند که بیشتر آنان پدر خود را از دست داده اند؛ افزون بر این، ۲۵۹۶ کودک هر دو والد خود را از دست داده اند.

برآوردهای تازه نشان می دهد که بیش از ۵۸۶۰۰ خانواده در غزه اکنون توسط زنان سرپرستی می شوند؛ یعنی نزدیک به ۱۴ درصد از مجموع خانواده ها. این بدان معناست که زن دیگر صرفاً یک عنصر فعال در داخل خانواده نیست، بلکه در بخش گسترده ای از خانواده ها به محور تصمیم گیری تبدیل شده است. اما این تحول در چارچوب توانمندسازی باثبات صورت نمی گیرد، بلکه در محیطی آکنده از آوارگی گسترده، فروپاشی شبکه های حمایتی و نبود امنیت اقتصادی رخ داده است.

هم چنان زنان نان آور بیشتر در معرض آوارگی و بی ثباتی قرار دارند؛ چنان که آمارها نشان می دهد ۸۸ درصد از خانواده هایی که زنان سرپرستی آنها را بر عهده دارند، آواره شده اند؛ در حالی که این رقم در میان سایر خانواده ها ۷۷ درصد است.

این ارقام تنها بیان گر خسارت های انسانی نیست، بلکه از فروپاشی گسترده در ساختار سنتی خانواده و انتقال اجباری نقش تأمین معیشت به زنان حکایت دارد؛ امری که این پدیده را از حالت های پراکنده و فردی، به یک الگوی اجتماعی گسترده و تأثیرگذار تبدیل کرده است. افزون بر این، فعالیت اقتصادی در غزه نیز تقریباً فروپاشیده است؛ به گونه ای که برآوردها نشان می دهد نرخ عمومی بیکاری در سال ۲۰۲۵ م به حدود ۶۸ درصد رسیده و میزان مشارکت در بازار کار به حدود ۲۵ درصد کاهش یافته است؛ در حالی که پیش از جنگ نزدیک به ۴۰ درصد بود. اقتصاد در بخش های مختلف تولیدی نیز در وضعیت فروپاشی تقریباً کامل قرار گرفته است. این بدان معناست که بازار دیگر توان ایجاد فرصت های کاری یا جذب نیروی کار جدید را ندارد. از این رو، مشکل زن نان آور دیگر تنها یافتن فرصت کاری نیست؛ بلکه خود بازار عملاً از میان رفته است! داده ها از اختلال شدید در ساختار بازار کار پرده برمی دارد؛ بیکاری زنان به ۹۲ درصد رسیده و مشارکت اقتصادی آنان تنها ۱۷ درصد است. هم چنان نسبت خانواده هایی که زنان سرپرستی شان را بر عهده دارند، از ۱۲ درصد پیش از جنگ به ۱۸ درصد در جریان جنگ افزایش یافته است. این وضعیت تناقضی آشکار را نشان می دهد؛ زیرا در حالی که مسئولیت اقتصادی زنان افزایش می یابد، فرصت های دسترسی آنان به کار کاهش پیدا می کند.

این‌ها ارقام و آمارهایی است که تنها بخشی از رنج پیوسته این زنان را نشان می‌دهد؛ رنجی که هیچ راه‌حلی برای پایان آن در افق دیده نمی‌شود. آنان با زندگی سختی روبه‌رو هستند که از ابتدایی‌ترین مؤلفه‌های یک زندگی انسانی و باکرامت‌پسندی شده است؛ زندگی‌ای که در آن نقش آنان از تربیت و مراقبت از فرزندان، به تلاش برای زنده ماندن تغییر یافته است! بیشتر آنان اکنون در خیمه‌های فرسوده یا خانه‌های ویران به سر می‌برند؛ مکان‌هایی که از بسیاری نیازمندی‌های ابتدایی زندگی روزمره، از جمله آب، برق، گاز و امکانات صحتی محروم است. حتی آنان از «رفاه» اندوهگین شدن نیز محروم‌اند؛ زیرا مجبورند احساسات خود را کنار بگذارند و سوگ و اندوه‌شان را تا زمانی نامعلوم به تعویق اندازند تا فرزندان‌شان را در آغوش گیرند و خلای پدرانی را که یا به شهادت رسیده‌اند یا اسیر شده‌اند، برای آنان جبران کنند. تمام این وضعیت از نگاه روانی، جسمی، اقتصادی و اجتماعی بر زنان تأثیر می‌گذارد.

همه این‌ها و بیش از این در حالی رخ می‌دهد که جهان سرگرم کشمکش‌ها و طمع‌ورزی‌های خود است و انجمن‌های فمینیستی در خوابی عمیق فرو رفته‌اند؛ خوابی که جز برای حمله به اسلام، احکام و تشریعات آن از آن بیدار نمی‌شوند.

پس ای مسلمانان! برای زنانی که رسول گرامی‌تان صلی الله علیه وسلم در حجة‌الوداع و در بسیاری از احادیث و وصیت‌های خویش درباره آنان به شما سفارش کرده است، منتظر چه فاجعه دیگری هستید؟!

ده‌ها هزار قربانی با گونه‌های مختلف رنج و مصیبت‌شان، هیچ حرکتی در شما ایجاد نمی‌کند! شما همانند سنگ، بلکه سخت‌دل‌تر از سنگ شده‌اید! و از کسانی گردیده‌اید که این آیه کریمه بر آنان صدق می‌کند:

﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقَقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: 74]

ترجمه: سپس بعد از آن، دل‌های‌تان سخت گردید؛ همچون سنگ یا سخت‌تر از سنگ؛ زیرا برخی از سنگ‌ها چنان‌اند که نهرها از آن‌ها می‌جوشد، برخی از آن‌ها می‌شکافد و آب از آن بیرون می‌آید و برخی نیز از ترس الله فرو می‌افتند. و الله از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر - بخش زنان